info@payamdaily.ir

نخستین روزنامه صبح البرز

پیام آشنا

شماره ۳۴۱۴
دوشنبه ۲۲ آبان ۱۴۰۲
۲۸ ربیع الثانی ۱۴۴۵
13 / November / 2023

صاحب امتیاز: موسسه همگامان اندیشه زمان
مدیر مسئول: محمود حیدری سردبیر: باهره حیدری
نشانی: کرج، بلوار تعاون، خیابان فرهنگ، جنب کانون کارشناسان رسمی دادگستری
تلفن: ۳۲۵۳۳۸۳۸-۳۲۵۳۴۲۴۲-۰۲۶ فکس: ۳۲۵۳۰۱۰۱
امتیاز در طرح ارزیابی کیفی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: ۵۸/۲۳
چاپ کارگر

امروز با حافظ

بده ساقی شراب ارغوانی
به یاد نرگس جادوی فرّخ
دو تا شد قامتم همچون کمانی
ز غم پیوسته چون ابروی فرّخ

نام منم، نشان منم، دور منم، زمان منم
جان همه جهان منم، من نه منم، نه من منم

اسیری لاهیجی

اوقات شرعی فردا

اذان صبح	طلوع آفتاب	اذان ظهر	غروب آفتاب	اذان مغرب
۰۵:۱۳	۰۶:۴۰	۱۱:۵۰	۱۶:۵۹	۱۷:۱۹

اگر برنامه زندگی‌تان را خودتان طراحی نکنید، اتفاقات و شانس، شما را به برنامه‌های زندگی کس دیگری پرتاب می‌کنند.

جیم ران

اشاره

نکات راهبردی در سخنان نصرالله

سخنان سید حسن نصرالله حاوی نکات بسیاری است که سبک و گستره جنگ با اسرائیل را نشان می‌دهد. اتفاقات این روزها در غزه یک اثر مهم سیاسی اجتماعی در پهنه مردم ایران، منطقه و کل دنیا دارد و آن مشروعیت جنگ با اسرائیل نزد عموم مردم است.

به گزارش پیام آشنا علی مهدیان در یادداشتی درباره سخنرانی روز شنبه سیدحسن نصرالله دبیر کل حزب‌الله لبنان نوشت:

این فهم مردمی را نباید دست کم گرفت. برای رزمندگان خط مقدم و فرماندهان و تصمیم گیرندگان بیشتر از پول و امکانات برای مبارزه، این توجیه بودن مردم است که اهمیت دارد. جنگ حماس امروز اگر چنین ابهت و اقتداری دارد دلیل اصلی اش همراهی مردم فلسطین و خصوصا غزه است. روزی که ایران رسما پایگاه عین الاسد را زد رهبری به صراحت گفت سوخت آن موشکها فریاد انتقام این مردم بود. اگر متوجه این نکته باشیم میفهمیم معنای این سخن سیدحسن که میگوید ایران رسما و علنا کمک مالی و نظامی به محورهای مقاومت میکند، معنایش چیست. این یعنی اراده عمومی مردم کاملا همراه شده است.

امروز فهمیدن این نکته بسیار سهل شده است که وجود یک جنایتکار فراقانونی در منطقه معنایش چیست و حتی خودخواهانه ترین و مصلحت اندیش ترین فهم های از میدان هم میتوانند تشخیص دهند که اگر قرار نباشد «نه غزه» مقابل چنین دشمنی باشد «نه لبنان» آنگاه باید در «مرز پر گهر» با این حیوان وحشی بجنگیم.

همین فهم در کل منطقه نیز شکل گرفته چه در یمن با آن پشتیبانی مردمی مثال زدنی اش به قول سیدحسن عزیز، چه در عراق چه لبنان به تعبیر سیدحسن که اکثریت با مقاومت هم داستانند چه سوریه. این برای تحولات منطقه یک رخداد مهم تاریخی است. یک عزم عمومی به مرور زمان در حال شکل گیری است.

همین اتفاق در کل دنیا نیز در حال وقوع است. اگر یک روز تشکیل دولت جعلی را با مظلوم نمایی دروغین هولوکاست و غیره لجنه های صهیونیستی یهودی، توجیه میکردند الان جنگ با اسرائیل در نظر دنیا به مرور مشروعیت پیدا میکند و همه فراقانونی بودن اراده جانیان عالم را و بی فایدگی نهادهای بین المللی را بالعیان میفهمند.

با این توضیح در سخنان سید حسن، فراگیری جبهه مقاومت امری بسیار پر معنا خواهد بود. او به تفکیک و با دقت توضیح داد که چگونه یک هویت گسترده فرامرزی مقابل اسرائیل (یا همان اراده آمریکا در منطقه) شکل گرفته. فهم ابعاد این گستره کلان مقاومت روشن میکند چه قدرتی در منطقه سر برآورده است. جالب است که به تعبیر سیدحسن هر محوری که مقابل اسرائیل عمل می کند، آمریکا به ایران توجه می‌دهد. سیدحسن تایید می کند واز قول دشمن بیان می کند که این جبهه گسترده دورتادور اسرائیل محورش ایران است. پیش از این نیز رهبر حکیم ما گفته بود که با یک نگاه کلان به منطقه ببینید که ایران به عنوان یک قدرت و محور مقاومت چگونه در غرب آسیا سر برآورده و معادلات استکبار را به هم می‌زند.

این نقش مهم و تاریخی ایران در ایجاد قدرتی ویژه در دنیا را باید جدی گرفت. او به گونه ای عمل میکند که یک قدرت بر بستر بیداری و خیزش مردمی شکل بگیرد. خیزشی برآمده از ایمان مردم. ایران خط مقدم چنین قدرت نوظهوری است. قدرتی که با انقلاب ایران سر برآورد و معرفی شد و امروز یک پهنه گسترده در دنیا را به تلاطم کشیده و نتایج آن را در شکست اراده شیطان بزرگ می‌بینیم.

سخنان سیدحسن، تاکید بر همان نکته ای بود که در اولین سخنرانی اش بعد از هفت اکتبر اعلام کرده بود. او در آن سخنرانی و همین طور این سخنرانی تصور دشمن را بالکل خراب کرده بود. دشمن خیال می کرد جبهه مقاومت یا می‌ترسد و محترمانه تسلیم می‌شود یا یک طوفان انفجاری دیگر در حملات خود آغاز می کند. او (دشمن) با وحشی گری خود سعی می کرد کل مقاومت در منطقه را به همین نقطه سوق دهد اما سیدحسن تصویر دیگری را به نمایش گذاشت و آن نبرد تشدید شونده گام به گام بود. این سبک جنگ فشار را به مرور بر دشمن تشدید می کند.

چند اثر در این مدل جنگ وجود دارد. جنگی که آمیخته از استحکام اراده و صبر است.

اولین و مهمترین ویژگی این روش این است که اجازه نمی‌دهد ثمرات جنایات اسرائیل بر افکار عمومی مردم دنیا تحت الشعاع اخبار انفجاری قرار بگیرد. مقاومت می‌خواهد ثمره مظلومیت و صبر غزه تبدیل شود به خروش و جوشش مردم دنیا.

دومین ویژگی این سبک جنگ قابل کنترل بودن جنگ است از این جهت که سعی می کنند جنگ را در چارچوب مرزهای اسرائیل نگه دارند. این برای اسرائیل خرد کننده است که در داخل مرزهایش می جنگد چرا که مساله اصلی فشار بر مردم غاصب اسرائیلی است و این فشار به جز آنکه ماندن در فلسطین اشغالی را پر هزینه میکند، فشار بر اراده حاکمان اسرائیل را هم بیشتر می کند.

سومین ویژگی این سبک جنگ فرصت دادن به حاکمان و تصمیم گیرندگان منطقه است که اتخاذ تصمیم کنند برای کمک به فلسطین و محدود کردن اسرائیل. مقاومت به این رو شدن باطن اسرائیل در منطقه احتیاج داشت و تبدیل این فهم به اراده حاکمان امری زمانبر است. حاکمان کشورهای منطقه با فشار افکار عمومی شان و ترسشان و دیدن ضعفهای دشمن تصمیمشان تغییر می کند.

چهارمین ویژگی فشار به آمریکا در منطقه است. فشار نظامی بدون جنگ عیان به نحوی که رفتارهای آمریکا فقط تشدید کننده فشارها خواهد بود. روشی که باعث جمع شدن بساط آمریکا در افغانستان و کم شدن حضورش در عراق بعد از شهادت حاج قاسم شد. فشار به آمریکا باعث فشار به اسرائیل برای تسریع در پذیرش شکست خواهد شد.

پنجمین ویژگی نیز غیر قابل پیش بینی شدن رفتار مقاومت است. یعنی ایجاد یک سایه تهدید دائمی که نمی‌دانند در میدان بنا است چه برگ برتر دیگری رو شود و این فشار تهدید نیز در جنگ با اسرائیل بسیار مهم و حیاتی است.

گزارش روز

آژانس، سوت پایان سیاسی بازی را می‌زند؟

این روزها آنچه به خوبی هویدا گشته، کارکرد خنثی و دوگانه نهادهای مسئول بین المللی نسبت به مسئله فلسطین است که مسیر جنایت رژیم را هموار کرده و اختیار عمل را به عهده اشغالگران و کشورهای همپیمان غربی آن داده است.

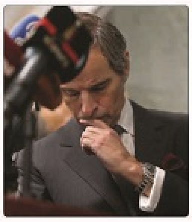

به گزارش پیام آشنا به نقل از ایرنا، حملات جنایتکارانه و سرشار از جنون رژیم صهیونیستی به غزه و نسل کشی بی سابقه مردم فلسطین، برگی دیگر از تاریخ جنایات جنگی را در جهان ورق زد و کارنامه سراسر جنایات رژیم صهیونیستی را ننگین تر از گذشته به معرض نمایش گذاشته است.

در این میان آنچه که بسیار مورد سوال افکار عمومی جهان واقع شده، نوع واکنش و جایگاه نهادهای بین المللی برای تحت فشار قرار دادن اشغالگران برای توقف حملات و مواخذه آن به دلیل جنایات جنگی انکارناپذیر و همچنین چرایی نبود یک سازکار سازنده حقوقی برای ممانعت از این اقدامات است.

این روزها آنچه به خوبی هویدا گشته، کارکرد خنثی و دوگانه نهادهای مسئول بین المللی نسبت به مسئله فلسطین است که مسیر جنایت رژیم را هموار کرده و اختیار عمل را به عهده اشغالگران و کشورهای همپیمان غربی آن داده است. این سازمان ها با شانه خالی کردن از وظایف محوله، بی تفاوت یا کم تفاوت به رفتار جنایت بار رژیم صهیونیستی و دیگر متحدان نشان دادند که عقلانیتشان تابعی از قواعد نانوشته غربی است و تکالیف بین المللی تنها در راستای منافع کشورهای معلوم الحال غربی به خدمت گرفته می شود. رژیم صهیونیستی، نوار غزه را زیر شدیدترین موشکباران تاریخی با حجمی حدود ۳۰ هزار تن و معادل ۲ بمب اتمی، قرار داد. درنتیجه این حجم کشتار بی سابقه و همچنین محاصره کامل و قطعی آب، برق و قبضه شدن شریان های حیاتی این منطقه به دست اشغالگران یک جهنم تمام عیار را در جهان به تصویر کشید. متناسب با آن، انتظارات جامعه جهانی از سازمان های متصدی برای احقاق حقوق مردم این منطقه فزونی یافت.

واکنون اکثریت خواهان یافتن راه حلی اساسی برای فشار به رژیم برای توقف این جنایات و برخورد مقتضی با رژیم در قبال جنایات جنگی هستند. آنها اما در عمل، شاهد ناکارامدی، بی ارادگی و سکوت مطلق این سازمان ها با بازی نفوذ قدرتهای سلطه گر بودند که حتی نتوانستند ابتدائی ترین مشکل مردم نوار غزه را رفع و کمترین نیاز آن مانند آب را تامین کنند. مضاف بر این، این سوال مطرح شده که آیا رژیمی که اراده بی محابا برای قتل عام مردم دارد و تهدیدی نه بالقوه بلکه فعال برای جامعه جهانی محسوب می گردد، با مانع بین المللی و حقوقی برای استفاده از سلاح های ممنوعه و هسته ای خود روبروست؟

اکنون اعتراضات عمومی جهان از حملات خونین و جنایات بار رژیم، انگاره هویت تروریستی آن را نزد افکار عمومی ایجاد کرده است. علاوه بر آن، مطالبه عمومی جهان در توقف بمباران آمادگی می تواند به سطوح بالاتر و کاردی تر دیگری چون مطالبه محکومیت رژیم صهیونیستی در سازمان های مربوطه نیز ورود پیدا کند.

افکار عمومی مولفه ای قدرتمند در نقش آفرینی دولتها بوده و نمی توان آن را دست کم گرفت. به عنوان مثال اخراج سفیر رژیم صهیونیستی از بحرین و فراخواندن سفیر این کشور از تل آویو توسط کشوری که توافق عادی سازی با رژیم را امضا کرده ناشی از تعدیل فشار افکار عمومی داخلی است. علاوه بر آن، استفاده مکرر بلینکن، وزیر امور خارجه آمریکا از «وقفه بشر روستانه» برای فریب جامعه جهانی نیز در همین راستا قرار دارد.

بنابر این می توان گفت که یکی از دستاوردهای دراز مدت و جانبی طوفان الاقصی، طرح مسئله همین موضوع و یادآوری تکالیف بین المللی به سازمان های و نهاد های بین المللی مسئول از سوی دولتهای جهان و با پشتوانه مطالبات مردمی است.

از این رو، اکنون پتانسیل این مطالبه به انضمام مستندات روشن جنایات چندمنظوره رژیم صهیونیستی، یک ظرفیت فعال را ابتدا در حاکمان کشورها و در مرحله بعد در کل جهان به وجود آورده که می توان به یاری آن، سازمان های بین المللی مسئول را وادار به اجرایی کردن موظفات و تکالیف محوله خود کرد.

رژیم در حجم جنایات جنگی خود علیه مردم فلسطین، به طور آشکارا نشان داد که «یک تهدید فعال» علیه منطقه و جامعه جهانی است و می تواند هر گونه طرحی را بدون موانع بین المللی پیاده سازی کند. پتانسیل این تهدید فعال، قابل استفاده در مجامع بین المللی نه تنها برای محکومیت بلکه ارائه سازوکارهای بازدارنده برای اقدامات تهدیدبرای آن خواهد بود.

تهدیدات وزیر کابینه رژیم صهیونیستی در مورد به کارگیری تسلیحات اتمی علیه مردم فلسطین، به خوبی خطر استفاده از تسلیحات اتمی رژیم صهیونیستی در منطقه و حتی جهان را به تصویر می کشد. شاید این وزیر به دلیل رفع تبعات منفی جهانی و تحت فشار نتانیاهو، نخست وزیر رژیم صهیونیستی آن را یک استعاره خواند و تلاش کرد که آن را از موضوعیت بیندازد، اما این اظهارات نشاندهنده اراده‌ای بی بدیل در بکارگیری از ادامه تسلیحات هسته ای است. علاوه بر آن، اظهارات او مبنای حقوقی داشته و مراجع بین المللی از جمله آژانس بین الملل اتمی بایستی در قبال آن موضع گرفته و نسبت به آن حساسیت نشان می دادند.

چرا که دامنه این تهدید اتمی، بر کل منطقه و جهان سایه انداخته و محصور به فلسطین نخواهد بود. البته نیازی به آشکارسازی نبود، طبق برآوردها حجم بمب های پرتاب شده به غزه در زمان فشرده، معادل با حجم دو بمب اتم بوده و خسارتهای برابر، گزینه استفاده از بمب اتم را نیز ممکن تر می کند.

انتظاری که هیچ وقت به حقیقت نپیوست و به رژیم صهیونیستی برای سرپوش گذاشتن به تهدید اتمی مدد رساند. با این وجود اما این تهدید آشکار نگرانی های مشروعی را در جامعه بین الملل ایجاد کرده که آژانس بین المللی اتمی به عنوان مرجع مسئول باید در مقام پاسخگویی قرار گیرد.

اما سابقه آژانس، رفتار دوگانه آن را در برابر این نگرانی ها ثابت می کند. در حالی این سازمان، فعالیت های هسته ای ایران را تحت فشارهای چندمنظوره خود قرار داده که در آن سو، رژیم صهیونیستی با خودداری از الحاق به معاهده NPT و عدم نظارت پادمانی تاسیسات هسته ای، همچنان آزادانه به فعالیت‌های مخرب هسته ای خود ادامه می دهد.

علاوه بر آن، این رژیم با برخورداری از حمایت های همه جانبه کشورهای غربی، با جعل اسناد و بهانه سازی و استفاده از تریبون سازمان های بین المللی، در مسیر فعالیت های صلح آمیز هسته ای ایران و همکاری با آژانس اتمی سنگ اندازی می کند. آژانس بین المللی نیز با یکجانبه گرایی و چشم فروبستن به تهدیدات واقعی و عینی تنها انگشت اتهام خود را به سمت ایران روانه کرده و با ایجاد مطالبات ادعایی جدید در روند حل و فصل اختلافات فیمابین اختلال ایجاد می کند.

این در حالی است که ایران حتی زیر فشرده ترین و بی نظیر ترین نظارت ها و خارج از تعهدات بین المللی، به صورت داوطلبانه به آژانس اجازه داده تا چنانچه مقتضی باشد فعالیت‌های راستی آزمایی و نظارت بیشتر اجرایی شود.

اکنون صورت تهاجمی و مهلک این جنایتکار جنگی بر همگان آشکار شده و رژیم صهیونیستی نه تنها برای امنیت و ثبات منطقه بلکه تهدیدی دائمی برای صلح و امنیت بین المللی محسوب می‌شود.

این موضوع زمانی به طور فزاینده خطرناکتر می شود که رژیم صهیونیستی با وجود پنهان سازی توان هسته ای، یکی از خطرناکترین زرادخانه‌های هسته‌ای مخفی در جهان را در اختیار دارد و فدراسیون دانشمندان آمریکایی «FAS» در گزارش سال ۲۰۲۳ خود تخمین زد که رژیم اسرائیل ۹۰ بمب اتم در اختیار دارد.

از این رو مطالبات کنونی مردمی به انضمام تهدیدات عملی و حقوقی مقامات رژیم صهیونیستی فرصت مناسبی را در چهارچوب های قانونی در اختیار دولتهای منطقه و حتی جهان قرار گذاشته تا طبق آن الزام رژیم صهیونیستی به الحاق به پیمان منع گسترش سلاح های هسته ای و نظارت های آژانس بین المللی را میسر کنند.

در دسترس ترین دلیل برای اعمال این مطالبات، استفاده رژیم صهیونیستی از بمب‌های ممنوعه در بمباران نوار غزه است. اشغالگران که نه کنوانسیون سلاح های بیولوژیکی را امضاء کرده و نه کنوانسیون سلاح های شیمیایی را به تایید پارلمان خود رسانده اند، توانستند به راحتی از بمب فسفر سفید در بمباران غزه استفاده کنند. دیدبان حقوق بشر در ۲۰ مهر ماه گزارش داد که رژیم صهیونیستی از فسفر سفید در عملیات نظامی خود در غزه و لبنان استفاده کرده است.

از این رو مصونیت رژیم صهیونیستی زیر چتر حامیان غربی و ایالات متحده، «اراده» استفاده از هر نوع سلاح برای پیشبرد مقاصد شوم را برای اشغالگران میسر کرده که در آینده نیز در سایه آن می تواند هر گونه حملات هسته ای و شیمیایی را عملی کند. بر همین اساس بود که نماینده دائم ایران در سازمان منع سلاح‌های شیمیایی، درباره استفاده احتمالی اسرائیل از سلاح‌های شیمیایی در غزه هشدار داد و بر لزوم اتخاذ اقدامات لازم برای ممانعت از آن تاکید کرد.

اکنون برهه مناسبی برای به جریان انداختن مطالبه عمومی دولتها و مردم جهان از رژیم صهیونیستی برای کنترل و دسترسی دستگاههای نظارتی بین المللی بر تسلیحات هسته ای آن هست. لذا منطبق بر شرایط کنونی، کشورهای منطقه و جهان می توانند به طور مشترک که دیپلماسی فعالی را در جهت وادار کردن رژیم صهیونیستی به قرار گرفتن در چهارچوب های قانونی و تعهدات بین المللی در جهت کاهش نگرانی های بین المللی از تهدیدات عملی رژیم صهیونیستی را در دستور کار خود قرار دهد چرا که مستندات و شواهد کافی برای ارائه آن به نهادها و سازمان های مسئول بین المللی موجود است و اگر این اقدام به زمانی دیگر محول شود، با مرور زمان امکان آن ضعیف می گردد.

مکث

باج گیرهای تلگرامی در صنایع مادر چگونه تغذیه می‌شوند؟

شرکت‌های بزرگ فولادی و نفت و پتروشیمی بخش قابل توجهی از چرخه اقتصاد ایران را تشکیل می‌دهند و به همین دلیل حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی در بیانات سال‌های اخیرشان تاکید زیادی روی تبیین عملکرد اقتصادی و پیشرفت‌های دولت برای افکار عمومی داشته‌اند.

به گزارش پیام آشنا به نقل از تابناک، به همین دلیل این مجموعه های محوری در اقتصاد و صنعت کشور ماموریت دارند دستاوردهای خود در شرایط سخت تحریم را برای تنویر اذهان رسانه ای کنند اما در این میان برخی مدیران این حوزه‌ها بجای اتکا به مجاری رسمی و رسانه‌های تاییدشده جامعه واستقبال از نقدهای کارشناسی و دلسوزانه آنها در بند شبکه‌های مخوف گرفتار می‌شوند.

زیرمجموعه‌های این بنگاه‌های بزرگ اقتصادی کشور نیز به دلیل گردش بالای مالی و حضور در بورس، گزینه خوبی برای سودجویی جریان‌های ناسالم رسانه‌ای هستند.

رقابت تجاری متعارف میان شرکت‌ها در این صنایع، گاهی با تحریک عوامل داخلی و رسانه‌ای به عرصه تخریب رقیب نیز کشیده می‌شود.

رواج باج گیری‌های تلگرامی

کانال‌های تلگرامی ریز و درشت بستر مناسبی برای کاسبی برخی افراد سودجو شده است و مدل جدیدی از باج گیری رسانه‌ای شکل گرفته است. برخی با ایجاد یک کانال با هزینه هیچ و گرفتن دنبال کننده فیک، کار و کاسبی خوبی برای خود راه انداخته‌اند.

امروز کانال‌های بسیاری با پسوند و پیشوند نفت، انرژی، پتروشیمی، فولاد و... به راه افتاده است، برخی با منشا مشخص و برخی دیگر نامعلوم. برای داغ‌تر شدن بحث هم گاهی کلیدواژه های افشاگری یا شبیه آن به عنوان کانال اضافه می‌شود.

این موضوع در مناطق و شهرستان‌ها شکل، رنگ و بو و مدل خاصی دارد. مثلا در مناطق ویژه اقتصادی در جنوب کشور که میزبان شرکت‌های پتروشیمی هستند یا در مناطقی که شرکت‌های فولاد و صنایع وابسته حضور دارند، افرادی با سوءاستفاده از موقعیت و ایجاد یک کانال با نام آن شهرستان و اضافه کردن پسوند نیوز کار و کاسبی‌شان سکه می‌شود.

در این مناطق افراد با تولید محتوا علیه شرکت‌های بزرگ که وظیفه حیاتی ارزآوری برای کشور را برعهده دارند، قراردادهای متنوعی از مشاوره و انتشار مطلب تا تبلیغات و تولید محتوا می‌بندند و عملا بدون کمترین زحمت، پول‌های هنگفت به جیب می‌زنند.

اما نکته عجیب ماجرا اینجاست؛ صاحبان همان رسانه‌های رسمی، برای کسب درآمد بیشتر، کانال‌های موازی و غیررسمی هم راه اندازی می‌کنند تا هر یک را جداگانه فاکتور کنند!

البته در این میان، عملکرد خود مجموعه‌های صنعتی نیز باید مورد توجه قرار گیرد. اگر از روز اول سازوکارهای عقد قرارداد با رسانه‌ها بصورت حرفه‌ای و دقیق تنظیم شود جلوی رشد قارچ گونه کانال‌های باج گیر گرفته می‌شود. بازبینی در قراردادهای رسانه‌ای این صنایع ضروری به نظر می‌رسد.

در یک نمونه فردی که هم رسانه رسمی دارد و هم در کانال تلگرامی با عنوان‌های انقلابی و ارزشی فعال است با انتشار مطالب خلاف واقع و تهدید مدیران شرکت‌های بزرگ پتروشیمی، به دنبال اهداف نادرست و نامشروع خود است که گاهی منجر به افشای برخی اطلاعات داخلی مجموعه‌ها برای برهم‌زدن آرامش نیروی انسانی و مدیریت آن می‌شود.

چندی قبل نیز وبسایت بولتن نیوز با افشای برخی واریزی‌ها و قراردادهای سال‌های قبل برخی از این مجموعه‌های به ظاهر خبری، درباره نحوه معامله آنها با شرکت‌های پتروشیمی گزارشات مستندی منتشر کرده بود که از دریافتی های چندصد میلیونی حکایت داشت.

یا در مورد اخیر دیگر نیز که انتصاب در یک شرکت بزرگ دولتی نفتی، موجب هجمه چند کانال شناخته شده با پسوند و پیشوند "نفت" شد تا جایی که ادامه کار تخریب به رسانه‌های معاندی چون اینترنشنال رسید.

بنابر اطلاع دقیق، انگیزه بیشتر این جریان‌ها زد و بند فوری با فرد هدف است و با اولین پیشنهاد قابل توجه مالی، تخریب‌ها به تمجید یا دست‌کم سکوت و جبران غیرمستقیم تبدیل می‌شود. این وضعیت در حوزه فولاد با پیچیدگی‌های کم و بیش مشابهی در جریان است و برخی شرکت‌ها برای تخریب رقیب، اقدام به تغذیه مالی و خبری کانال‌های تلگرامی می‌کنند که متاسفانه بر سر شاخه نشسته و بن می‌برند. فریب شدن این جریان‌های سودجو از هر طرف که صورت بگیرد، در نهایت هم به ضرر مجموعه‌های پشتیبان آن‌ها خواهد شد و هم فضای بی‌اعتمادی میان شرکت‌های همکار و همصنف حاکم خواهد کرد.

رعایت اصول اخلاقی و حرفه‌ای در اطلاع‌رسانی و تبلیغات این مجموعه‌های بزرگ قطعا نقش موثری در عدم تغذیه و رشد جریان‌های ناسالم باج گیر خواهد داشت.

اهدای خون، اهدای زندگی

رسانه چه خبر

واریز یارانه دارو سرعت می گیرد

مهر: رئیس امور سلامت و رفاه اجتماعی سازمان برنامه و بودجه از عملیاتی شدن تغییر مسیر واریز یارانه دارو و اولین پرداختی به داروخانه‌ها خبر داد. بعد از اینکه رئیس سازمان هدفمندسازی یارانه‌ها در یک برنامه تلویزیونی، از تغییر مسیر واریز یارانه دارو خبر داد و عنوان داشت که از اول مهر ۱۴۰۲، سهم یارانه دارو به طور مستقیم به داروخانه‌ها داده می‌شود، حالا سازمان برنامه و بودجه به طور رسمی، این تصمیم را عملیاتی کرد و اولین واریزی به حساب داروخانه‌ها از محل طرح دارویاری، انجام شد. رضا عوض پور رئیس امور سلامت و رفاه اجتماعی سازمان برنامه و بودجه گفت: تا قبل از این پرونده بیمار اعم از بستری و سرپایی، در سازمان بیمه مورد بررسی قرار می‌گرفت و بیمه سهمی را که در تعهد خود داشت، پرداخت می کرد. اما از وقتی طرح دارویاری شروع شد ما باید از محل یارانه‌ها مابه التفاوتی را به بیمه‌ها می‌دادیم که الان این سهم را سازمان برنامه و بودجه به نیابت از دولت، مستقیم به داروخانه‌ها پرداخت می کند. وی با عنوان این مطلب که در دو ماه گذشته سهم داروخانه‌ها از یارانه دارو را در قالب ذی نفع نهایی پرداخت کردیم، افزود: سازمان برنامه و بودجه، اسناد را از سازمان‌های بیمه گر پایه دریافت می کند و بر اساس آن به داروخانه‌ها یا شرکت‌های پخش و تولیدی، مستقیم یارانه دارو را از طریق سازمان هدفمندی پرداخت می کند که این موضوع باعث شفافیت بیشتر می‌شود. عوض پور با اظهار امیدواری درباره پرداخت مطالبات داروخانه‌ها در سریع‌ترین زمان ممکن، گفت: به نظر می‌آید با توجه به تغییر رویکردی که در پرداخت یارانه دارو اتفاق افتاد، در این یکی دو ماه با وقفه روبه رو شدیم، ولی از این به بعد این فرایند سرعت بیشتری می گیرد و از سعی خواهیم کرد تا نیمه اول هر ماه، مطالبات ماه قبل را تسویه کنیم. رئیس امور سلامت و رفاه اجتماعی سازمان برنامه و بودجه ادامه داد: هر چقدر سازمان‌های بیمه گر پایه فرایند ارسال اسناد را به سازمان، تسریع کنند ما مثل حقوق به آن نگاه می کنیم؛ یعنی ماهیانه خود را متعهد کردیم تخصیص را به موقع بدهیم و اگر وقفه‌ای اتفاق افتد این زنجیره تا قبل از رسیدن اسناد به سازمان هدفمندی است و اگر بیمه‌ها اسناد را به موقع بررسی و تائید کنند، ما منابع آن را به موقع شارژ می کنیم. عوض پور با اشاره به اینکه این شیوه پرداخت الزام قانونی دارد، تاکید کرد: در تبصره ۱۹ قانون بودجه ۱۴۰۲، بر توزیع اعتبار و پرداخت به ذی نفعان نهایی تاکید شده و عمدتاً داروخانه‌ها و زنجیره‌های تأمین دارو بحثی را مطرح می کردند که منابع دارویاری با تأخیر زمانی به دست داروخانه و شرکت‌های پخش و تولید کننده و تأمین کننده می‌رسد و ما برای اینکه شفافیت ایجاد شود و در فرایند تسریع بخشیم شیوه پرداخت مستقیم را در نظر گرفتیم. رئیس امور سلامت و رفاه اجتماعی سازمان برنامه و بودجه گفت: ما نزدیک به ۴ هزار و ۳۰۰ میلیارد از منابع را به صورت مستقیم به داروخانه‌ها پرداخت کردیم یعنی از سازمان بیمه‌گر لیست خواستیم که به ترتیب سازمان تأمین اجتماعی با حدود ۳۳۰۰ میلیارد تومان، سازمان بیمه سلامت ۸۰۰ میلیارد و بیمه خدمات درمانی نیروهای مسلح نزدیک به ۲۰۰ میلیارد تومان فهرست ارائه کردند که ما از طریق سازمان هدفمندی به ذی نفع نهایی پرداخت کردیم.

تاثیر "سن بیولوژیکی" بر احتمال سکته مغزی و زوال عقل

هلث دی نیوز: دانشمندان براساس سن "بیولوژیکی" که بر اساس اندازه گیری های مختلف برآورد می شود به سلامت خوب یا نه چندان خوب افراد پی می برند. سن بیولوژیکی متفاوت از سن تقویمی یک فرد است. اکنون، تحقیقات جدید سوئدی نشان می دهد که افراد کمتر سالم با سن بیولوژیکی که از سن تقویمی آنها بیشتر است، ممکن است در معرض خطر ابتلا به زوال عقل و سکته مغزی باشند. «سارا هاگ»، سرپرست این مطالعه از موسسه کارولینسکا در استکهلم، توضیح داد: «از آنجایی که افراد با سرعت‌های متفاوتی پیر می‌شوند، سن تقویمی یک معیار نسبتاً نادقیق است.» در این مطالعه، گروه هاگ نشانگرهایی مانند اندازه گیری چربی خون، قند خون، فشار خون، عملکرد ریه و BMI (شاخص توده بدنی) را برای ارزیابی بهتر سن بیولوژیکی یک فرد رمزیابی کردند. آنها سپس داده‌های بیش از ۳۲۵۰۰۰ بریتانیایی را بررسی کردند. تیم هاگ به بررسی بیمارکرهای سن بیولوژیکی برای افراد پرداخت و سپس نرخ ۹ ساله بیماری‌های عصبی مانند زوال عقل، سکته مغزی، ALS (بیماری لو گریگ) و بیماری پارکینسون را مقایسه کردند. «جاناتان مک»، یکی از رهبران این مطالعه، گفت: «اگر سن بیولوژیکی یک فرد پنج سال بیشتر از سن واقعی او باشد، خطر ابتلا» به زوال عقل عروقی یا سکته مغزی در فرد ۴۰ درصد بیشتر است.» خطر ابتلا به ALS نیز با افزایش سن بیولوژیکی افزایش می یابد، اما در مورد بیماری پارکینسون هیچ اثری مشاهده نشد. به گفته محققان، این احتمال وجود دارد که سالم‌تر ماندن ممکن است خطرات اضافی برای مغز را کاهش دهد.